

تصویر مانا

چگونه آموزگاری اثر بخش باشیم؟



حسین قاسم پور اقدم

تا حالا با خود اندیشیده‌اید چرا برخی آموزگاران شما انسان‌هایی برجسته بوده‌اند و تصویر مثبتی از آن‌ها در ذهنتان نقش بسته است؟ معلمان چه نقشی در زندگی ما دارند و چگونه توانسته‌اند اثرات مثبت و منفی بر ما بگذارند و مسیر زندگی مان را تغییر دهند؟ برای پی بردن به اثربخشی و خبرگی آموزگاران اجازه بدهید نکاتی درباره‌ی شناخت رفتاری دانش‌آموزان و اینکه خبرگی و مهارت معلم در بارور شدن رفتار بالقوه‌ی دانش‌آموزان چه تأثیری دارد، بیان کنیم. سپس به ویژگی‌های معلمان خبره و اثرگذار بپردازیم.

کلیدواژه‌ها: آموزگار اثر بخش، یادگیری فعال

یادگیرنده‌ی فعال

جان دیوئی، از پیشگامان روانشناسی تربیتی در قرن ۱۹، معتقد بود کودک یک یادگیرنده‌ی فعال است و از طریق عمل کردن بهتر یاد می‌گیرد. بنابراین نباید بر سر جایش ساکت بنشیند و منفعل و به شیوه‌ی طوطی‌وار یاد بگیرد. همچنین، آموزش باید بر ابعاد وجود کلی دانش‌آموز متمرکز شود تا او یاد بگیرد چگونه فکر کند، مسائل را حل کند و خود را با محیط بیرون از مدرسه وفق دهد. همچنین، بنجامین بلوم، صاحب‌نظر روانشناسی تربیتی، معتقد بود آموزگار باید با درک مهارت‌های شناختی از جمله دانش، فهمیدن، تحلیل، ترکیب و ارزشیابی، به دانش‌آموزان کمک کند قوه‌ی حافظه، تفکر و استدلالشان به فعلیت درآید تا یادگیری اتفاق بیفتد.

اما به‌راستی یادگیری چگونه اتفاق می‌افتد؟ و چرا دانش‌آموزان مقدار زیادی از مطالب مطالعه شده را فراموش می‌کنند؟ آموزگاران چگونه می‌توانند مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان را بهبود بخشند و مهارت‌های انگیزشی‌شان را افزایش دهند؟

ملاک‌های تشخیص یادگیری

طبق نظر روانشناسان تربیتی، یادگیری عبارت است از تغییر پایدار در رفتار. به عبارت دیگر، توانایی رفتار کردن به شیوه‌ای معین که در نتیجه‌ی تمرین و تجربه به دست می‌آید. سه ملاک عمده برای تشخیص یادگیری لحاظ شده‌اند:

۱. یادگیری مستلزم تغییر در رفتار است. یعنی افراد زمانی یاد می‌گیرند که قادر به انجام کاری به صورت متفاوت باشند؛

۲. پایداری، یعنی وقتی یادگیری در ذهن انسان ملکه شده، به صورت ماندگار در رفتار او آشکار می‌شود. برای مثال، کسی که رانندگی یاد می‌گیرد، تا آخر عمر نیازی به آموزش اولیه ندارد، چون بر اثر تمرین و تجربه، اعمال رانندگی در رفتارش نهادینه شده است؛

۳. یادگیری از طریق تجربه رخ می‌دهد؛ مانند الگو گرفتن از دیگران.

بنابراین، یادگیری دانش‌آموزان به عوامل زیادی بستگی دارد؛ از جمله:

۱. برنامه‌های درسی و محتوای مطالب و کیفیت کتاب‌ها؛

۲. امکانات و فعالیت‌های فوق برنامه‌ای مثل دسترسی به کتابخانه، اینترنت، کلاس‌های جبرانی؛

۳. اندازه‌ی کلاس‌ها و تعداد دانش‌آموزان هر کلاس؛





۴. مدیر مدرسه و عوامل اجرایی مدرسه؛
۵. آموزگار.

آموزگار مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر یادگیری دانش‌آموز است و کیفیت یک دبستان از کیفیت آموزگارش مشخص می‌شود.

اثربخشی

معلمان اثربخش و خبیره آن‌هایی هستند که دانش و مهارت‌هایشان کاملاً فطری نیست و توانایی‌هایشان را از طریق مطالعه و تمرین به دست می‌آورند. آن‌ها افرادی هستند که در زمینه‌ای خاص نظیر آموزش، دانش و مهارت بالایی دارند و یادگیری بیشتر از حد انتظار و ارتقای سطح توانایی و پیشینه‌ی دانش آموز را سبب می‌شوند.

اما در واقع اینگونه آموزگاران چگونه دانش لازم برای خبیرگی را به دست می‌آورند؟ و چگونه آموزشی را مناسب می‌دانند؟

هدف آموزش، آسان کردن یادگیری در فراگیرندگان است که آموزگار آن را طرح‌ریزی می‌کند و این فرایند بین او و دانش‌آموز به صورت کنش متقابل جریان می‌یابد. به عبارت دیگر، آموزش شرایط بیرونی را طوری ترتیب می‌دهد که یادگیری را به عنوان فرایندی درونی، تسهیل می‌کند. بنابراین، آموزش جامع‌تر است و تدریس بخشی از آن محسوب می‌شود. اما یکی از عوامل مؤثر در آموزش، دانستن و دانش محتوایی نسبت به درس‌هاست. مسلماً ما نمی‌توانیم چیزی را که خود نمی‌فهمیم آموزش بدهیم. یکی دیگر

از عوامل آموزش اثربخش که با دانستن دانش محتوایی درس‌ها نیز مرتبط است، دانستن دانش محتوایی آموزشگری است. آموزگار باید بداند چگونه مطالب را ارائه بدهد تا برای دانش‌آموز قابل فهم باشد و اینکه چه مطالبی، درباره‌ی موضوعات خاص، یادگیری دانش‌آموزان را آسان یا دشوار می‌کند.

مؤلفه‌ی دیگر در زمینه‌ی آموزش اثربخش که تبحر آموزگار را طلب می‌کند، دانش آموزشگری عمومی است که شامل راهبردهای آموزشی و مدیریت کلاس است. آگاهی از چگونگی برنامه‌ریزی مؤثر درس‌ها، درگیری دانش‌آموزان در یادگیری و واریسی درک آن‌ها، در هدایت صحیح دانش‌آموزان به آموزگار کمک می‌کند تا یادگیری پرثمری فراهم شود. آموزگار با مدیریت کلاسی، از نظر ایمنی و منظم بودن، بر یادگیری متمرکز می‌شود و دانش‌آموزان را وادار می‌کند در جهت یادگیری تلاشی مضاعف داشته باشد. و بالاخره، مهم‌ترین دانشی که آموزگار باید در آموزش اثربخش برای دانش‌آموزان فراهم کند، دانش درباره‌ی یادگیرندگان و یادگیری است. آموزگار باید بداند فکر کودکان در مدرسه‌های ابتدایی به موضوعات عینی و ملموس محدود است. همچنین، دانش‌آموزان نمی‌دانند درباره‌ی یک موضوع چقدر اطلاعات دارند و باید برای تقویت انگیزه‌ی آن‌ها در یادگیری، تا حد ممکن تشویقشان کرد. هنگامی که معلمان روش‌های متفاوت یادگیری دانش‌آموزان را درک کنند، پی خواهند برد که چرا تدریس اثربخش صرفاً ارائه‌ی اطلاعات به دانش‌آموزان به صورت کوتاه و مختصر و سازمان‌یافته نیست. بدین ترتیب، معلمان خبیره درک کاملی از نحوه‌ی وقوع یادگیری و بهبود آن دارند. اما معلمان، علاوه بر دانش حرفه‌ای، برای ماندگاری و اثربخش بودن، باید مهارت‌های حرفه‌ای نیز داشته باشند؛ مهارتی حرفه‌ای که توانایی استفاده از دانش را به صورت مؤثرتر و کاربردی‌تر به انجام می‌رساند. آموزگار شاید به واسطه‌ی مطالعه‌ی زیاد کتاب‌ها و مقالات از دانش مدیریت کلاس برخوردار باشد، اما اگر کلاس او نظم نداشته باشد و امور عادی کلاس به صورت اثربخش انجام نگیرند و مهارتی در زمینه‌ی مدیریت کلاس نداشته باشد، نمی‌توان او را معلم اثربخش و خبیره نامید.

بنابراین، معلم اثربخش لازم است در کنار دانش حرفه‌ای، از مهارت‌های برنامه‌ریزی نیز برخوردار

باشد و بداند چگونه و چه زمانی به تدریس بپردازد و سنجش و ارزیابی دانش‌آموزان را چگونه انجام دهد تا روند یادگیری‌اش بهبود یابد. معلمان اثربخش باید مهارت‌های کلامی و غیرکلامی خوبی برای ارتباط با دانش‌آموز برقرار کنند. او باید به طور واضح با دانش‌آموزان صحبت کند و فعالانه به حرف‌های آن‌ها گوش دهد. همچنین، زبان بدن دانش‌آموزان را درک و تعارضات کلاسی را به صورت سازنده حل کند و همیشه روشی جسورانه در سبک‌های ارتباطی داشته باشد تا روشی خصمانه و منفعل.

معلمان اثربخش فرصت‌ها را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهند تا آن‌ها درباره‌ی هدف‌ها و علاقه‌های خودشان فکر کنند و راهبردهایی برای کمک آن‌ها برای برانگیختن و پذیرش مسئولیت یادگیری در اختیار بگذارند. افزون بر این، معلمان دارای مهارت‌های انگیزشی خوب، استانداردهای بالایی برای همه‌ی دانش‌آموزان برمی‌گزینند و از سطوح گوناگون توانایی آنها حمایت می‌کنند تا مطمئن شوند همه‌ی دانش‌آموزان برای موفقیت برانگیخته شده‌اند.

آموزگار اثربخش دانش و مهارت‌های دانش‌آموزان را با روش‌های رسمی مانند آزمون‌های کوتاه، آزمون‌های هماهنگ، تکالیف پروژه‌ای و آزمون‌های استاندارد و غیررسمی مانند کارپوشه‌های دانش‌آموزان و فعالیت‌های کلاسی به صورت منظم مورد سنجش قرار می‌دهد.

آموزگاران اثربخش مهارت‌های فناوری آموزشی را به خوبی در خودشان توسعه می‌دهند و به صورت تحلیل فضای مجازی و فناوری آموزشی، آن‌ها را قبل از وارد کردن به کلاس درس ارزیابی می‌کنند. آن‌ها در استفاده از فناوری مهارت دارند و آن را در دل کلاس‌های یادگیرنده محور قرار می‌دهند؛ طوری که فرصت‌هایی برای ساخت فعالانه‌ی دانش و مهارت در اختیار دانش‌آموزان قرار گیرند. و در نهایت، آموزگاران اثربخش با تعهد و انگیزه و مهربانی و همچنین نگرش مثبت، لحظات دشوار و دلسردکننده و کسالت‌بار کلاس‌ها را به محیطی جذاب و پویا برای دانش‌آموزان تبدیل می‌کنند. آن‌ها به خودکارآمدی خودشان اطمینان دارند و اجازه نمی‌دهند هیجان‌های منفی انگیزه آن‌ها را متزلزل کنند. معلمان اثربخش حس شوخ‌طبعی دارند که کلاس را جالب می‌سازد. آن‌ها بر موضوعات تدریس تسلط دارند و برای کمک به دانش‌آموزان، منصفانه و دلسوزانه وقت می‌گذارند و با دانش‌آموز مانند بزرگسال رفتار می‌کنند.